

## اعتبارسنجی روایان مدرسه امامیه ری در سند زیارت جامعه کبیره

فرهاد نعمتی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۹

### چکیده

روایان مدرسه امامیه ری روایت‌های زیادی از جمله زیارت جامعه کبیره را در اختیار صدوق قرار داده‌اند. منابع امامیه داده‌های کمتری از این روایان به دست می‌دهند تا جایی که از سوی برخی استادان صدوق مجهول معرفی شده‌اند. سؤال پژوهش این است که این روایان چه جایگاه علمی داشته و چه نوع اخباری را در اختیار صدوق قرار داده‌اند؟ فرضیه مطرح این است که این روایان جایگاه علمی بالایی داشته و روایات پر محتوا و همگرا با باورهای امامیه در اختیار داشتند. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به معرفی، تبیین جایگاه علمی و اثرگذاری این روایان در آثار صدوق پرداخته است. یافته‌ها بیان‌گر مورد اعتماد بودن این روایان امامی است که در موارد فراوانی گزارش‌های آنان با معارف امامیه سازگاری دارد. بهره‌مندی از استادانی چون سعد بن عبدالله اشعری، علی بن ابراهیم، محمد بن جعفر اسدی، محمد بن یعقوب کلینی و دیگران جایگاه حدیثی آنان را تثبیت کرده است.

کلیدواژه‌ها: اعتبارسنجی، زیارت جامعه کبیره، روایان، مدرسه امامیه ری، شیخ صدوق.

### ۱. مقدمه

#### ۱-۱. طرح مسأله

زیارت جامعه کبیره از امام هادی علیه السلام، از سوی روایان مدرسه امامیه ری به آثار شیخ صدوق راه یافت. زیارت در منبعی از محمد بن اسماعیل برمکی به نقل از موسی بن عبدالله

۱. دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه شهید بهشتی تهران (fzm56@yahoo.com).

نخعی است.<sup>۱</sup> شکل بازسازی شده آن از مشیخه این گونه است:

علی بن احمد بن موسی و محمد بن احمد سنانی و حسین بن ابراهیم بن احمد بن هشام المکتب، از محمد بن ابی عبدالله کوفی از محمد بن اسماعیل برمکی.<sup>۲</sup>

در منبع دیگر چنین است:

عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِمْرَانَ الدَّقَاقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السِّنَانِيِّ، وَعَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ، وَالْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ الْمُكْتَبِيِّ قَالُوا: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ، وَأَبُو الْحُسَيْنِ الْأَسَدِيُّ قَالُوا: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الْمَكِّيُّ الْبُرْمَكِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيُّ.<sup>۳</sup>

این سند، علی بن عبدالله وراق را افزوده و چهار راوی بین استادان صدوق نیازمند بررسی است. افزون بر عدم تبیین جایگاه علمی استادان شیخ صدوق (م ۳۸۱ق)، راویان این زیارت نامه و نیز دیگر راویان به خوبی اعتبارسنجی نشده‌اند. برخی از رجالی‌ها، استادان صدوق را مجهول، یا با استفاده از مشایخ ثقات مورد مدح قرار داده‌اند. اما جایگاه علمی راویان یاد شده با توجه به مفاهیم والای زیارت، نیازمند بررسی مفصل و بازخوانی محتوای روایات آنان است. این پژوهش با اعتبارسنجی روایات و راویان این زیارت نامه در منابع به ویژه آثار صدوق به تبیین جایگاه علمی این راویان پرداخته است.

#### ۱-۲. پیشینه

پژوهش‌گران با نگارش کتاب، پایان نامه و مقالات از زوایای مختلف این زیارت نامه را مورد مطالعه قرار داده‌اند که معرفی همه آن‌ها در این مجال نمی‌گنجد. در بخش کتاب، آثاری نظیر الاعلام اللامعة فی شرح زیارت الجامعة محمد بن سید عبدالکریم، کتاب شرح الزيارة الجامعة الکبيرة احمد بن زین العابدین احسائی (م ۱۲۴۳ق) و در دوره معاصر، کتاب با پیشوایان هدایت‌گر سیدعلی حسینی میلانی در شرح این زیارت نوشته شده‌اند.

در بخش مقالات، ناصرالدین انصاری قمی در مقاله «کتاب‌شناسی زیارت جامعه کبیره» به معرفی و توصیف پنجاه و پنج شرح و ترجمه درباره این زیارت نامه پرداخته است. مقاله

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۰۹.

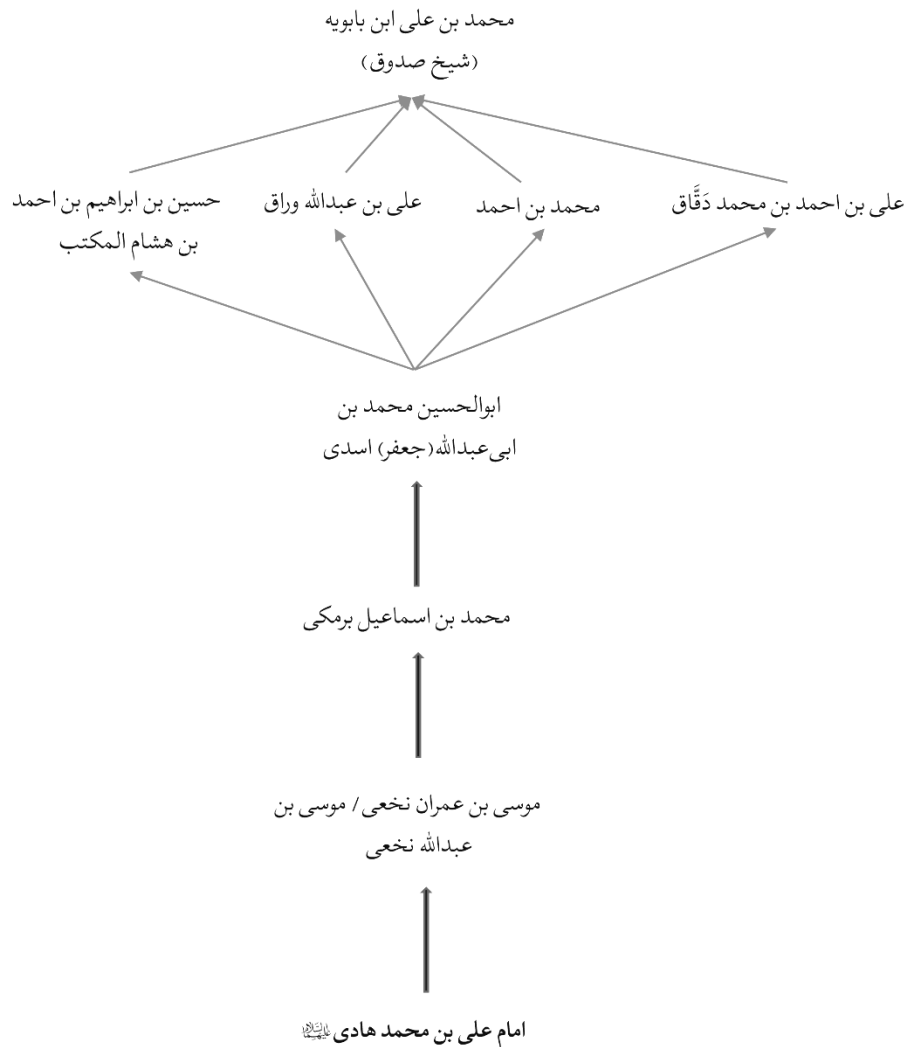
۲. همان، ج ۴، ص ۵۱۲.

۳. عیون اخبار الرضا ع، ج ۲، ص ۲۷۲.

«تحلیل انتقادی دیدگاه‌های موضوع‌انگارانه موجود درباره زیارت جامعه کبیره» نوشته عبدالهادی فقهی‌زاده و مهدی هادیان است. در این پژوهش، نقدهای متنی بیان شده در مورد این زیارت - که به موضوع‌انگاری آن منجر شده - بررسی و براساس شواهد قرآنی، ضوابط تفسیری و فقه‌الحدیثی غیرموجه بودن آن‌ها اثبات شده است.

مقاله «سازواری قالب و مفاد زیارت جامعه کبیره و نیاز معرفتی امامیه در عصر امام هادی (ع)» نوشته روح‌الله توحیدی‌نیا برای نشان دادن جواب‌گویی قالب و مفاد زیارت‌نامه به نیازهای خطیر معرفتی امامی مذهب‌ان دوره امام هادی (ع) است. «تأملی در اصالت متن زیارت جامعه کبیره» نوشته محمد فاکر میبیدی به ادعای تحریف متن زیارت جامعه پاسخ داده است. «پژوهشی درباره زیارت‌های جامعه» نوشته سیدکاظم طباطبایی پس از توصیف و بررسی زیارت‌های جامعه، نگاهی به سند زیارت جامعه کبیره داشته است. «تحلیلی سندی و محتوایی بر زیارت‌نامه جامعه کبیره امام هادی (ع)» نوشته عباسعلی محمدی و محمد سپهری است. «بررسی سندی زیارت جامعه کبیره» نوشته شیخ محمد سند و مهناز فرحمند به بررسی سند پرداخته و بیشترین تمرکز را روی موسی بن عمران نخعی دارد.

پایان‌نامه‌هایی نیز اندیشه‌های امامیه را براساس این زیارت‌نامه مورد بررسی قرار داده‌اند. «بررسی مباحث توحیدی در زیارت جامعه کبیره و تطبیق آن با آیات قرآن کریم» نوشته آمنه اکبرزاده (۱۳۹۵/دانشگاه تبریز)، «بررسی غلو و تقصیر در روایات با محوریت زیارت جامعه کبیره» نوشته محمد نظیر (۱۴۰۱/جامعه المصطفی‌العالمیه) و «تحلیل طبقات اوصاف امامان بر مبنای زیارت جامعه کبیره (تحقیق موردی شئون چهارگانه علم، عصمت، ولایت و انتصاب امامان (ع))» نوشته زینب نقوی (۱۳۹۴/دانشکده اصول‌الدین) از جمله آن‌ها است. پژوهش حاضر، ضمن بهره‌مندی از این تلاش‌ها، بر آن است تا با تبیین جایگاه علمی روایان یاد شده، اثرگذاری این جایگاه در اعتماد صدوق به آن‌ها را واکاود.



## ۱-۲. استادان صدوق

۱-۲-۱. ابوالقاسم علی بن احمد بن محمد بن عمران دقاق / علی بن احمد بن موسی  
 وی از مشایخ روایی صدوق در مدرسه ری است. شواهدی نظیر اشتراک در استادان،  
 طریق روایی صدوق به افرادی نظیر محمد بن جعفر اسدی و محمد بن یعقوب کلینی،  
 اشتراک در اسناد از جمله دلایل اتحاد دو عنوان ذکر شده است.  
 نام وی با عناوین مختلف در اسناد نزدیک به ۲۵۰ روایت صدوق آمده است. تعداد

بالای روایت‌های صدوق از وی را می‌توان به جهت جایگاه علمی وی ارزیابی کرد. او بیشترین روایات (بیش از ۱۷۰ مورد) را از محمد بن جعفر اسدی نقل کرده است. وقوع در اسناد بیش از شصت روایت در کتاب التوحید صدوق اهمیت مسأله را دوچندان می‌کند. استاد دیگر او محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹ق) محدث نامدار امامیه است که حدود ۲۵ روایت از وی نقل کرده است.

استاد برجسته دیگرش ابوالقاسم حمزه بن قاسم علوی عباسی (دوازده روایت)<sup>۱</sup> از نوادگان عباس بن علی (م ۶۱ق) و راویان جلیل‌القدر امامیه است.<sup>۲</sup> بررسی روایات و استادان علی بن احمد حکایت از امامی بودن و هم‌گرایی محتوای روایاتش با معارف امامیه دارند. بیشتر روایات وی از معصومان علیهم‌السلام بوده است. وی نزدیک به صد روایت از امام صادق علیه‌السلام و بیش از پنجاه روایت از امام رضا علیه‌السلام نقل کرده است. نام او در سلسله سند روایت‌هایی با موضوعات خداشناسی، تاریخ معصومان، حضرت حجت علیه‌السلام، امام‌شناسی، مشخصات امامان و خلقت نوری، زیارت جامعه کبیره و رساله حقوق به چشم می‌خورد.<sup>۳</sup>

#### ۲-۱-۲. محمد بن احمد سنانی

محمد بن احمد سنانی یا شیبانی از راویان حدیثی ری است که ۶۲ روایت در آثار صدوق دارد. بیشتر روایات وی از محمد بن جعفر اسدی به تعداد چهل مورد و احمد بن یحیی بن زکریا قطان با بیست روایت است.<sup>۴</sup> نام حمزه بن قاسم علوی عباسی<sup>۵</sup> و محمد بن هارون صوفی<sup>۶</sup> نیز در بین استادان وی دیده می‌شود.

او روایات کلامی درباره نفی زمان و مکان از خداوند<sup>۷</sup> و نیز قدرت الهی<sup>۸</sup> همخوان با آموزه‌های امامیه نقل کرده است. اخباری نیز درباره حیات، کودکی و جوانی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، سفرهای تجاری وی به شام و ملاقات با راهبان مسیحی، نظیر بحیرا را نقل کرده است.<sup>۹</sup> او بر

۱. رک: التوحید، ص ۱۳۰ و ۲۵۳.

۲. رجال النجاشی، ص ۱۴۰.

۳. برای اطلاع بیشتر رک: «گونه‌شناسی روایات مدرسه امامیه ری در آثار شیخ صدوق، مطالعه موردی علی بن احمد بن محمد دقاق».

۴. الامالی (صدوق)، ص ۳۴۱.

۵. علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۸۴.

۶. النخصل، ج ۱، ص ۱۸۸.

۷. التوحید، ص ۱۸۳ و امالی، ص ۵۰.

۸. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۱، ص ۱۱۷.

۹. علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۸۲ و ۱۸۸ و ۱۹۰.

این باور بود که علی علیه السلام امام مسلمین، امیرالمؤمنین، حجت الهی،<sup>۱</sup> وصی و خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله است که برای امامت برگزیده شده<sup>۲</sup> و منکر ولایت ایشان مانند منکر رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله است.<sup>۳</sup>

بر اساس روایتی، سد ابواب را امری الهی می دانست.<sup>۴</sup> بخشی از روایت های محمد بن احمد در حیطة امام شناسی با مبانی فکری امامیه سازگار است؛ مفاهیمی چون نیاز به امام، امان برای مردم روی زمین، واسطه فیض الهی و خالی نبودن زمین از حجت و این که امامان حجت الهی هستند، به چشم می خورد و در نهایت، با حجت غایب الهی پیوند دارد.<sup>۵</sup> روایتی از وی در کنار علی بن احمد و علی بن عبدالله وراق به نقل از امام سجاد در موضوع وجوب اطاعت و اقتدا به ائمه علیهم السلام و انتخاب الهی آنان، وجود دوازده امام بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و غیبت دوازدهمین آنان نقل شده است.<sup>۶</sup> اندیشه استمرار امامت در فرزندان امام حسین علیه السلام تا قیامت<sup>۷</sup> نیز سازگار با اندیشه های امامیه است. توجه به انحراف واقفیه در امامت امام رضا علیه السلام نیز در این زمینه بوده و روایتی مربوط به امامت آن حضرت و رد این اندیشه از محمد بن جعفر اسدی نقل کرده است.<sup>۸</sup>

اخباری درباره طول عمر،<sup>۹</sup> غیبت و طولانی بودن آن، مخفی بودن ولادت و نبودن بیعت کسی برگردن قائم علیه السلام هنگام ظهور<sup>۱۰</sup> گویای باورمندی وی به مهدویت امام دوازدهم است. هم نام و هم کنیه بودن با رسول خدا صلی الله علیه و آله، پر کردن زمین از عدل و داد، مخفی بودن ولادت او بر مردم، غیبت آن حضرت و یاران اولیه ایشان به تعداد ۳۱۳ نفر محتوای روایت وی از استادش اسدی با یک واسطه از عبدالعظیم حسنی به فرموده امام جواد علیه السلام است.<sup>۱۱</sup>

۱. الامالی (صدوق)، ص ۳۰۰.

۲. همان، ص ۳۳۲-۳۳۱.

۳. النخصل، ج ۲، ص ۶۵۲.

۴. علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۰۱.

۵. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۰۷.

۶. همان، ج ۱، ص ۳۲۰-۳۱۹.

۷. معانی الاخبار، ص ۱۳۲.

۸. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۱۷.

۹. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۲.

۱۰. همان، ج ۱، ص ۲۰۷.

۱۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۸-۳۷۷.

روایاتی از طریق این راویان درباره زیارت امام رضا علیه السلام از خود آن حضرت<sup>۱</sup> و از سوی امام هادی علیه السلام<sup>۲</sup> و نیز درباره جایگاه زیارت ائمه علیهم السلام از سوی امام صادق علیه السلام نقل شده است.<sup>۳</sup> شاید نخعی با توجه به همین سفارش‌ها برای زیارت، بر آن شد زیارت‌نامه جامعی از امام هادی علیه السلام درخواست کند.

### ۲-۱-۳. علی بن عبدالله وراق

نام این راوی امامیه ری<sup>۴</sup> در اسناد بیش از هفتاد روایت به چشم می‌خورد. او از سعد بن عبدالله اشعری حدود ۳۵ روایت و از علی بن ابراهیم پانزده روایت نقل کرده است. نام‌هایی چون محمد بن جعفر اسدی،<sup>۵</sup> محمد بن یعقوب کلینی،<sup>۶</sup> حمزه بن قاسم علوی<sup>۷</sup> و احمد بن یحیی بن زکریا<sup>۸</sup> در بین استادان وی به چشم می‌خورد. واکاوی روایت‌های برجای مانده از وی نشان‌دهنده همسانی آن‌ها با باورهای امامیه است. نفی جبر و تفویض،<sup>۹</sup> نفی مکان و تشبیه،<sup>۱۰</sup> روایت‌هایی با موضوع باور به وصایت امام علی علیه السلام و برابری منکران با انکارکنندگان رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله،<sup>۱۱</sup> ایمان ابوطالب،<sup>۱۲</sup> وجوب اطاعت از پیامبر و امامان و همسانی آن با اطاعت از خداوند،<sup>۱۳</sup> چگونگی نصب امام و وظایف او،<sup>۱۴</sup> عصمت امامان،<sup>۱۵</sup> عصمت پیامبران،<sup>۱۶</sup> رد اندیشه‌های واقفیه،<sup>۱۷</sup> دلیل شهرت امام هشتم به رضا،<sup>۱۸</sup> پذیرش اجباری

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۵۵.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۵۵.

۳. همان، ج ۲، ص ۲۶۲.

۴. همان، ج ۱، ص ۶۴.

۵. رک: علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۳۱؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۰، ۸۸، ۲۵۵ و ۲۷۲.

۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲۲؛ کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۵.

۷. الخصال، ج ۲، ص ۵۴۲.

۸. رک: التوحید، ص ۲۴۱؛ الخصال، ج ۲، ص ۴۳۰ و ۵۷۲.

۹. التوحید، ص ۳۶۱.

۱۰. علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۳۲.

۱۱. الخصال، ج ۲، ص ۶۵۲.

۱۲. معانی الاخبار، ص ۲۸۵.

۱۳. الامالی (صدوق)، ص ۴۷۶.

۱۴. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲۲-۲۱۶؛ الکافی، ج ۱، ص ۱۹۸.

۱۵. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۶۴.

۱۶. همان، ج ۱، ص ۱۹۵-۱۹۱.

۱۷. همان، ج ۲، ص ۲۱۶.

۱۸. همان، ج ۱، ص ۱۳.

ولایت عهدی از سوی امام رضا علیه السلام و رویدادهای مرتبط با آن،<sup>۱</sup> بخش های دیگر از زندگی و شهادت امام رضا علیه السلام،<sup>۲</sup> نقل برخی رویدادهای خارق العاده در زندگی امام رضا علیه السلام،<sup>۳</sup> و برخی از فرازهای مرتبط با امام دوازدهم<sup>۴</sup> از جمله این موضوعات است.

در زمینه نقل نصوص امامت، این روایات به چشم می خورد: امام صادق علیه السلام فرزندش موسی علیه السلام را برای جانشینی خود معرفی و سپس وعده می دهد که او نیز صاحب جانشینی فقیه خواهد شد.<sup>۵</sup> گزارش وی به همراه علی بن احمد دقاق درباره عرضه دین عبدالعظیم حسنی بر امام هادی علیه السلام، که محتوای آن درباره خداشناسی، نبوت، معاد و امام شناسی است. این خبر به نوعی نص درباره امامت امامان اثناعشری است و براساس آن، امام به صراحت به جانشینی فرزندش حسن علیه السلام و جانشینی قائم علیه السلام بعد از ایشان اشاره می کند.<sup>۶</sup>

#### ۲-۱-۴. حسین بن ابراهیم بن احمد بن هشام

حسین بن ابراهیم، ملقب به «المؤدب»<sup>۷</sup> و «المکتب»<sup>۸</sup> است. پسوند «الرازی» او را از محدثان ری معرفی می کند،<sup>۹</sup> اما برخی او را از محدثان مقیم قم دانسته اند که کتابی درباره فرائض نوشته است.<sup>۱۰</sup> نام وی در سند نزدیک به پنجاه روایت قرار دارد و از علی بن ابراهیم (هیجده روایت)، محمد بن جعفر اسدی (نوزده روایت)، کلینی،<sup>۱۱</sup> حمزه بن قاسم علوی عباسی<sup>۱۲</sup> و احمد بن یحیی بن زکریا (ده روایت) استفاده کرده است. عدم رؤیت خداوند،<sup>۱۳</sup> نفی مکان از خداوند،<sup>۱۴</sup> نفی زمان و مکان از خداوند از طریق خط

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۴۱ و ۱۴۹-۱۵۱.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۴۱ و ۱۵۱-۱۴۹.

۳. همان، ج ۲، ص ۲۲۱-۲۰۵.

۴. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۴-۳۸۵ و ۴۰۷ و ۴۱۲-۴۱۳.

۵. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۰-۲۹.

۶. التوحید، ص ۸۲-۸۱.

۷. علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۰۳.

۸. همان، ج ۲، ص ۴۴۹. المکتب گویای داشتن شغل دولتی است.

۹. علل الشرایع، ج ۱، ص ۷۰-۶۰ و ج ۲، ص ۴۰۳.

۱۰. لسان المیزان، ج ۲، ص ۲۷۱.

۱۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲۲.

۱۲. الامالی (صدوق)، ص ۶۵۷.

۱۳. همان، ص ۴۰۹.

۱۴. علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۳۱.



فکری علی بن ابراهیم قمی (که یونس بن عبدالرحمن از امام کاظم علیه السلام روایت کرد)،<sup>۱</sup> رضایت به قضاء و ایمان به قدر الهی<sup>۲</sup> بخشی از روایات کلامی است. گزارش‌هایی درباره کلام خدا بودن قرآن از امام صادق علیه السلام و کاظم علیه السلام در جریان بحث مخلوق بودن قرآن یا عدم آن نیز نقل شده است.<sup>۳</sup> معصوم بودن حجت الهی در اندیشه این افراد<sup>۴</sup> و حدیثی که محدثان مختلف راوی آن بودند، در حیطه انتخاب امام و امام‌شناسی نیز در بین روایات وی دیده می‌شود.<sup>۵</sup> او روایت‌هایی نیز در فضایل علی علیه السلام نقل کرده و منکر ولایت آن حضرت را منکر رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌دانست. وی روایاتی نیز درباره حیات امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام با خلفای عباسی نقل کردند.<sup>۶</sup> آوردن امام رضا علیه السلام به خراسان از سوی مأمون و نیز پذیرش ولایتعهدی با اکراه و شروط خاصی از جمله آن است.<sup>۷</sup> پیش‌گویی دفن امام رضا علیه السلام در کنار هارون عباسی از سوی آن حضرت، مسمومیت به وسیله انگور و شهادت امام، حضور امام جواد علیه السلام در کنار پدرشان در آخرین لحظات حیات نیز از محتوای روایات وی است.

مسأله درخور توجه عبارت «حجة الله علیک» از سوی امام جواد علیه السلام بر اباصلت هر وی (م ۲۳۶ق) راوی این روایت است.<sup>۸</sup> پیش‌گویی امام صادق علیه السلام از دفن نواده خود در خراسان و فضیلت زیارت او<sup>۹</sup> و نیز فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام از سوی امام هادی علیه السلام<sup>۱۰</sup> از روایات حسین بن ابراهیم است.

## ۲-۱-۵. شواهد اعتماد این راویان

منابع نخستین رجالی درباره آنان داده‌های زیادی به دست نمی‌دهند و منابع متأخر نیز تنها آنان را از استادان صدوق دانسته‌اند. نبود توثیق صریح درباره این مشایخ سبب شده

۱. علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۳۲.

۲. التوحید، ص ۳۷۱.

۳. همان، ص ۲۲۴.

۴. همان، ص ۴۰۶-۴۰۷.

۵. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۶-۲۲۲.

۶. الامالی (صدوق)، ص ۴۴۱-۴۳۵؛ الخصال، ج ۲، ص ۶۵۲.

۷. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۸۸.

۸. همان، ج ۲، ص ۱۵۱-۱۴۹.

۹. همان، ج ۲، ص ۲۴۵-۲۴۲.

۱۰. همان، ج ۲، ص ۲۵۹.

۱۱. همان، ج ۲، ص ۲۶۲.

برخی مسیر روایات آنان را صحیح ندانند.<sup>۱</sup> با این حال، شواهدی برای حل وثاقت یا حداقل اعتماد بر آنان می‌توان ذکر کرد.

۱. صدوق به فراوانی از آنان با تعبیر «رحمه الله» و «رضی الله عنه» یاد کرده است. برخی با توجه به جایگاه بزرگانی از جمله صدوق، با شواهدی مانند ذکر این افراد در مشیخه آنان، نقل روایات زیاد و التزام برای به کار بردن عبارات «رضی الله»، «رحمه الله» در مورد آنان، تلاش کردند که این شخصیت‌ها را مورد اعتماد و احادیث آنان را صحیح بدانند؛ اگرچه درباره آنان توثیق صریحی وارد نشده باشد. این افراد نیز از جمله استادان صدوق هستند که توثیق صریحی درباره آنان وجود ندارد.<sup>۲</sup> بحرالعلوم نیز سخنان وی را بازنشر کرده است.<sup>۳</sup> برخی نیز بر این باورند در صورتی که مطلق مشایخ ثقات توثیق نشوند، نسبت به صدوق چنین امری را نمی‌توان گفت. دلیل این امر سخت‌گیری صدوق در اخذ حدیث ذکر شده که برای دریافت آن نزد شیخ مجهول الحال یا معلوم الضعف شاگردی نمی‌کند و قول به اصالة العدالة و نظیر آن در مورد صدوق سخن مقبولی نیست.<sup>۴</sup>

۲. عبارت صدوق در من لایحضره الفقیه مبنی بر آوردن روایاتی است که بر اساس آن‌ها فتوا داده و از نظر وی صحیح هستند.<sup>۵</sup> و این بارزترین راه برای مدح آنان است. اعتماد صدوق به روایات محمد بن جعفر اسدی در من لایحضره الفقیه و فتوا بر اساس آن در افطار عمدی روزه از این دست است.<sup>۶</sup> این افراد طریق روایی به اخبار او هستند.<sup>۷</sup>

۳. این روایت، همان توقیع ناحیه مقدسه به اسدی است که به واسطه محمد بن عثمان انجام شده است.<sup>۸</sup> صدوق در جایی به مناسبت نقل بخشی از این توقیع، در مورد این راویان «رَوَى لِي جَمَاعَةٌ مِنْ مَشَائِخِنَا» را آورده که این تعبیر نشان از جایگاه علمی آنان دارد.<sup>۹</sup>

۱. معجم رجال الحدیث، ج ۱۵، ص ۹۳ و ۱۵۴.

۲. الرواشح السماویه، ص ۱۷۰-۱۷۳.

۳. الفوائد الرجالیه، ج ۴، ص ۷۰-۷۳.

۴. کتاب النکاح، ج ۱، ص ۴۲۰-۴۳۰.

۵. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳؛ برای اطلاع بیشتر رک: «واکاوی نظریه وقوع در مشیخه من لایحضره الفقیه و دلالت آن بروثاقت مؤلف، با تأکید بر کتاب النوادر ابراهیم بن هاشم».

۶. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۱۸.

۷. همان، ج ۴، ص ۴۲۹ و ۴۷۶ و ۵۱۲.

۸. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۲۰.

۹. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۹۷.

برخی با بازنشر این طریق صدوق به روایات اسدی، آن‌ها را صحیح دانسته‌اند.<sup>۱</sup> برخی نیز گفته‌اند اگرچه این توقیع به سبب توثیق نشدن این چهار راوی، به حسب اصطلاح، صحیح شمرده نمی‌شود، اما روایت هر کدام که دیگری آن را روایت کرده است و نبود احتمال هماهنگی برای جعل، اطمینان قوی به صحت نقل را می‌رساند.<sup>۲</sup> بنابراین، می‌توان چنین سخنی را در نقل زیارت جامعه کبیره از سوی این چهار راوی نیز مطرح کرد.

۴. جایگاه بالای علمی استادان این راویان، مانند سعد بن عبدالله اشعری، علی بن ابراهیم، محمد بن جعفر اسدی و محمد بن یعقوب کلینی شاهی دیگر است. افزون بر روایت از این افراد، نسخه‌ای از کتاب الکافی در اختیار شاگردان کلینی، از جمله علی بن احمد دقاق، محمد بن احمد سنانی و محمد بن محمد بن عصام کلینی بود و واسطه روایات کلینی و تمام الکافی به صدوق بودند.<sup>۳</sup> با مقایسه برخی ابواب من لایحضره الفقیه و الکافی، بهره‌گیری فراوان و مستقیم صدوق از کلینی در گزینش و چینش روایات، به روشنی قابل برداشت است.<sup>۴</sup> دریافت چنین اثر ارزشمند حدیثی امامیه از سوی این شخصیت‌ها حاکی از جایگاه بالای علمی آنان و اعتماد کلینی و صدوق به این افراد است.

۵. بهره‌گیری فراوان صدوق از روایات این راویان در آثار مختلف، به ویژه کتاب التوحید است که برای دفاع از اندیشه‌های کلامی در برابر اتهامات مخالفین نوشت. نقل فراوان روایات در یکی از مهم‌ترین منابع کلام امامیه، نشان از اعتماد صدوق به آنان دارد.

۶. با توجه به سخت‌گیری صدوق در امر حدیث، فراگیری گزارش‌هایی حاوی معارف مهم نظیر زیارت جامعه کبیره و رساله حقوق امام سجاد (ع) (از علی بن احمد دقاق)<sup>۵</sup> نیز اعتماد صدوق به آنان را تقویت می‌کند.

۷. صدوق برای نقل مسائل محمد بن سنان<sup>۶</sup> از دو مسیر محدثان قم و یک مسیر از طریق این افراد درری بهره برده است.<sup>۷</sup> با این حال، در کتاب من لایحضره الفقیه طریق خود به آن را

۱. مجمع الرجال، ج ۷، ص ۲۷۳.

۲. موسوعه الامام الخونی، ج ۱۱، ص ۳۶۳.

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۳۴.

۴. «واکاوی نظریه وقوع در مشیخه من لایحضره الفقیه و دلالت آن بر وثاقت مؤلف، با تأکید بر کتاب النوادر ابراهیم بن هاشم»، ص ۱۹.

۵. الامالی (صدوق)، ص ۳۶۸.

۶. رجال النجاشی، ص ۳۲۸.

۷. عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۸۸.

همین افراد ذکر کرده که در اسناد آن، اسدی به روایت از محمد بن اسماعیل برمکی نیز قرار دارد.<sup>۱</sup> همچنین، بیش از سی مورد نیز به صورت بخش بخش، از مسیر علی بن احمد دقاق آمده که حاکی از اعتماد صدوق به طریق مدرسه ری است.

## ۲-۲. محمد بن ابی عبدالله (م ۳۱۲ق)

ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی از مردمان کوفه در ری سکونت داشت. برخی او را ثقه و دارای احادیث صحیح دانسته و با این حال یادآور شده‌اند که از ضعف نقل حدیث می‌کرد.<sup>۲</sup> تعابیری نظیر «از ارکان دین که روایات زیادی در علوشان او روایت شده»،<sup>۳</sup> جلیل،<sup>۴</sup> ثقه و جلیل<sup>۵</sup> و ثقه<sup>۶</sup> در اعتماد بر او است. ثقه دانستن وی<sup>۷</sup> و تأیید آن با باز نشر عبارت طوسی «وی از ثقاتی است که برایشان توقیع وارد شده و بر عدالت از دنیا رفت»، دیدگاه حر عاملی است.<sup>۸</sup> برخی منابع با باز نشر اخبار و کالت وی اشاره کرده‌اند که این اخبار منصوص در وثاقت اسدی هستند.<sup>۹</sup> شاید اتهام اعتقاد به جبر و تشبیه و یا نقل از ضعف<sup>۱۰</sup> سبب توقف حلی (م ۷۲۶ق) در مورد احادیث او<sup>۱۱</sup> و ذکرش در بین ضعف از سوی ابن داود (م بعد از ۷۰۷ق) باشد.<sup>۱۲</sup>

وجود نام محمد بن جعفر در سازمان وکالت،<sup>۱۳</sup> آن هم از سفرای ستایش شده و مورد وثوق که بر عدالت، بدون تغییر عقیده و هیچ طعنی از دنیا رفت،<sup>۱۴</sup> بیان‌گر مورد اعتماد بودن او، فعالیت اجرایی و مالی وی در کنار فعالیت‌های علمی است. اسدی بر اساس گزارش‌هایی

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲۹.

۲. رجال النجاشی، ص ۳۷۳.

۳. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۳۳۰.

۴. قاموس الرجال، ج ۴، ص ۴۵-۴۶.

۵. مستدرکات علم رجال، ج ۱، ص ۴۴۷.

۶. جامع الرواه، ج ۲، ص ۴۶۵.

۷. وسائل الشیعه، ج ۳۰، ص ۴۵۶.

۸. الرجال حر عاملی، ص ۲۱۴.

۹. تنقیح المقال، ج ۲، القسم الثانی، ص ۹۲.

۱۰. همان.

۱۱. خلاصه الاقوال، ص ۱۶۰.

۱۲. رجال ابن داود، ص ۳۰۲.

۱۳. رجال الطوسی، ص ۴۳۹.

۱۴. الغیبه (طوسی)، ص ۴۱۵-۴۱۷.

با محمد بن عثمان عمری (م ۳۰۵ق) در ارتباط بود<sup>۱</sup> و به نوعی زیر نظر او در منطقه ری فعالیت داشت. همچنین گزارشی بر فعالیت وی قبل از سال ۲۹۰ حکایت دارد که تا آخر عمر، یعنی ۳۱۲ هجری ادامه داشت.<sup>۲</sup>

اسدی دارای کتاب الجبر و الاستطاعه<sup>۳</sup> و یا «الرد علی اهل الاستطاعه» بود<sup>۴</sup> و حسن بن حمزه (م ۳۵۸ق) و احمد بن حمدان قزوینی راوی این اثر بودند.<sup>۵</sup> روایت این کتاب از سوی گروهی به واسطه هارون بن موسی تلعبکری (۳۸۵ق)، بیانگر توجه عالمان به این کتاب بوده است.<sup>۶</sup> در کنار آن، وجود نامش در اسناد حدود سیصد روایت، جایگاه علمی وی را دوچندان می‌کند. البته حدود ۳۳ روایت از آن به صورت قطعاتی از مسائل محمد بن سنان است. او با عناوینی نظیر «محمد بن ابی عبدالله»، «محمد بن ابی عبدالله الاسدی»، «محمد بن ابی عبدالله الکوفی»، «محمد بن جعفر الاسدی»، «محمد بن ابی عبدالله الکوفی» و «محمد بن جعفر الکوفی» روایت نقل کرده است.<sup>۷</sup> وجود نام این شخصیت در اسناد الکافی شاگردش کلینی (حدود شصت مورد) نیز حاکی از جایگاه ارزشمند وی در عرصه روایت است. علی بن ابراهیم نیز با او ملاقات داشته و در تفسیر وی پنج مورد از روایات اسدی آمده است.<sup>۸</sup> دو مورد از این روایات از موسی بن عمران نخعی است.<sup>۹</sup> ابن قولویه نیز با یک واسطه از روایات اسدی بهره برده که یک روایت آن از نخعی است.<sup>۱۰</sup> بیشترین روایات محمد بن جعفر اسدی به صورت تقریبی نزدیک به ۲۵۰ مورد در آثار صدوق آمده که هفده مورد آن در الکافی نیز آمده است. دو مورد در کفایه الاثر و هیجده مورد نیز در آثار شیخ طوسی دیده می‌شود.

شاگردی نزدیک به سی استاد و داشتن شاگردان بزرگ نیز بیانگر وسعت علمی اسدی

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۲۰.

۲. الغیبه (طوسی)، ص ۴۱۷-۴۱۵.

۳. رجال النجاشی، ص ۳۷۳.

۴. فهرست الطوسی، ص ۴۲۵.

۵. رجال النجاشی، ص ۳۷۳.

۶. فهرست الطوسی، ص ۴۲۶-۴۲۵.

۷. معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۲۷۳-۲۷۱.

۸. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۸۸؛ ج ۲، ص ۵۹ و ۲۵۳ و ۳۴۲ و ۳۵۱.

۹. همان، ج ۱، ص ۳۸۸؛ ج ۲، ص ۳۴۲.

۱۰. کامل الزیارات، ص ۳۵ و ۲۵۰.

است. بیشترین حجم روایات وی به ترتیب از محمد بن اسماعیل برمکی، موسی بن عمران نخعی و سهل بن زیاد است. او از مدرسه حدیثی قم با سعد بن عبدالله اشعری نیز دیدار و هشت روایت دریافت کرد؛<sup>۱</sup> از جمله در گزارشی برگزیده شدن امام رضا علیه السلام به امامت را از سوی امام کاظم علیه السلام نقل کرده و آن حضرت این انتخاب را از سوی خدا دانسته است.<sup>۲</sup> معاویه بن حکیم از یاران برجسته امام رضا علیه السلام و محدثان سرشناس امامیه در کوفه<sup>۳</sup> نیز با هفت روایت در بین استادان وی دیده می‌شود. اسدی در تک روایتی درباره مهدویت گفتگوی احمد بن ابراهیم با حکیمه دختر امام جواد علیه السلام را در سال ۲۶۲ هجری در مدینه نقل کرده است. نام بردن از حضرت حجت علیه السلام، پنهان بودن ایشان، وصیت امام حسن عسکری علیه السلام به مادرش، نظیر وصیت امام حسین علیه السلام به خواهرش زینب به صورت ظاهری و در حالی که امام سجاد علیه السلام جانشین پدرش بود و یادآوری روایت تقسیم شدن میراث نهمین امام از نسل امام حسین علیه السلام در حالی که زنده است، محتوای این گزارش است.<sup>۴</sup>

علاوه بر حسن بن حمزه، احمد بن حمدان قزوینی<sup>۵</sup> و تلعبیری<sup>۶</sup> راویان کتاب وی، کلینی و علی بن ابراهیم نیز از شاگردان او بودند. علی بن احمد بن موسی، محمد بن احمد سنانی، حسین بن ابراهیم بن هشام مؤدب،<sup>۷</sup> محمد بن موسی بن متوکل،<sup>۸</sup> علی بن عبدالله وراق،<sup>۹</sup> محمد بن علی بن بشار قزوینی و مظفر بن احمد قزوینی<sup>۱۰</sup> نیز از شاگردان اسدی هستند و اخبار او را در اختیار صدوق قرار دادند. نام عبدالله بن جعفر حمیری از بزرگان حدیثی قم و علی بن احمد بن مهزیار نیز در بین شاگردان وی دیده می‌شود.<sup>۱۱</sup> برخی گزارش‌ها حکایت از این دارند که فرزندش ابوعلی اسدی، راوی یک توقیع از محمد بن عثمان عمری به پدرش

۱. الغیبه (طوسی)، ص ۱۵۸ و ۱۶۱ و ۲۸۷؛ تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۷۶ و ۹۱ و ۹۵ و ۹۹.

۲. الغیبه (طوسی)، ص ۴۱-۴۰.

۳. رجال النجاشی، ص ۴۱۲.

۴. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۰۷ و ۵۰۱؛ الغیبه (طوسی)، ص ۲۳۰؛ الهدایه الکبری، ص ۳۶۶.

۵. رجال النجاشی، ص ۳۷۳.

۶. فهرست الطوسی، ص ۴۲۶-۴۲۵.

۷. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۷۶.

۸. الامالی، ص ۵۸۶ و ۶۵۵.

۹. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۲۰.

۱۰. معانی الاخبار، ص ۲۹۲؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۶۸-۶۷ و ۲۲۵ و ج ۲، ص ۴۸۹؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱،

ص ۳۲۲ و ج ۲، ص ۵۲۴.

۱۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۰۷ و ۵۰۱.

درباره تزییع مال امام به ناحق بوده<sup>۱</sup> و نیز یک فهرست بلندی از کسانی که در شهرهای مختلف به معجزات حضرت حجت علیه السلام آگاه شده یا ایشان را دیده‌اند، ارائه کرده است.<sup>۲</sup>

اتهام باور به جبر و تشبیه از سوی برخی<sup>۳</sup> و احتمالاً کتاب «الرد علی محمد بن الاسدی» حمزه بن قاسم علوی عباسی از نوادگان عباس بن علی (م ۶۱ق)<sup>۴</sup> در این زمینه از سوی عالمان امامیه رد شده است.<sup>۵</sup> این مسأله با ادعای شیخ طوسی - که اسدی با عدالت از دنیا رفت و هیچ طعنی بر او وارد نیست - معارض است. همچنین فتوای صدوق بر اساس روایت اسدی<sup>۶</sup> و اعتماد به روایتش بیان‌گر حسن عقیده و ایمان او است. شاهد دیگر، روایاتی که بر مدح و عدالت وی دلالت دارند. کثرت روایات کلینی از او نیز شاهد دیگری بر آشنایی وی با اندیشه‌های اسدی و عدم پذیرش این ادعا است. با این حال، بهترین دلیل در رد این ادعا روایاتی است که کلینی در باطل بودن اندیشه تشبیه و جبر از وی آورده است.<sup>۷</sup>

صدوق کتاب التوحید را با هدف دفاع از اندیشه‌های کلامی، به ویژه رد نسبت تشبیه و جبر در برابر مخالفان شیعه نوشت و نقل بیش از چهل روایت در یکی از مهم‌ترین منابع کلام امامیه، نشان از اعتماد صدوق به اسدی و رد اندیشه جبر در باورهای او دارد. آیه الله مددی بر این باورند که قایل به جبر بودن اسدی به این سبب است که اصحاب فقه عموماً اخبار کلامی را تحمل نکرده و با رمی به غلو، جبر و تشبیه اصحاب کلام را تضعیف می‌کردند.<sup>۸</sup> از سوی دیگر، برخی متکلمان امامیه، محدثان قمی (بیشتر حدیث‌گرا بودند) به غیر از شیخ صدوق را در شمار اهل تشبیه و جبر قرار دادند<sup>۹</sup> و شاید اتهام اسدی نیز از همین نوع نگاه‌ها باشد. متکلمان برجسته در رد اتهام تشبیه از سوی معتزله به امامیه و نیز دیدگاه برخی در مسأله تجسیم به روایت اسدی استناد کرده‌اند.<sup>۱۰</sup> بهره‌گیری شیخ مفید، جعفر بن

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۵۲.

۲. همان، ج ۲، ص ۴۴۳-۴۴۲.

۳. رجال النجاشی، ص ۳۷۳.

۴. همان، ص ۱۴۰.

۵. تنقیح المقال، ج ۲ القسم الثانی، ص ۹۵؛ قاموس الرجال، ج ۹، ص ۱۷۵؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۵، ص ۱۶۸.

۶. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۱۸.

۷. الکافی، ج ۱، ص ۹۹ و ۹۵ و ۱۰۰ و ۱۶۰-۱۵۹ و ۱۶۲.

8. <https://www.ostadmadadi.ir/persian/article/13492/>

۹. رسائل الشریف المرتضی، ج ۳، ص ۳۱۰.

۱۰. الحکایات فی مخالفات المعتزلیه من العدلیه، ص ۸۱-۷۷.

قولویه<sup>۱</sup> کلینی و حتی صدوق<sup>۲</sup> از این روایت، حاکی از اعتماد بزرگان امامیه بر روایات وی و رد این اندیشه است. گفتنی است که بیشتر اندیشه‌های اسدی و محتوای روایاتش در بررسی شاگردان وی گذشت.

### ۲-۳. محمد بن اسماعیل برمکی رازی

محمد بن اسماعیل، معروف به صاحب صومعه و ساکن قم، ثقه و دارای اعتقاد صحیح و کتاب‌هایی از جمله «التوحید» بود که از سوی اسدی روایت می‌شد.<sup>۳</sup> با این حال، تضعیف ابن غضائری<sup>۴</sup> سبب شد برخی در تعارض این دو دیدگاه، نظر نجاشی را ترجیح دهند<sup>۵</sup> و برخی نیز با توجه به عدم درستی انتساب کتاب موجود به ابن غضائری، توثیق نجاشی را بدون معارض بدانند.<sup>۶</sup>

نام او در اسناد نزدیک به صد مورد از روایات قرار دارد و مواردی از مسائل محمد بن سنان است. در بین حدود بیست استاد وی، نام‌هایی مانند علی بن عباس خراذینی، حسین بن حسن بن برد دینوری، مندل بن علی، عبدالله بن احمد بن داهر، حسین بن هیثم و جعفر بن سلیمان دیده می‌شود. شاگرد اصلی وی محمد بن جعفر اسدی بوده و اکثر این روایات از سوی علی بن احمد دقاق به دست صدوق رسیده است. در این بین، نام ابوالقاسم حمزه بن قاسم علوی از نوادگان عباس بن علی علیه السلام،<sup>۷</sup> احمد بن محمد بن یحیی بن زکریا قطان<sup>۸</sup> هر کدام در سه روایت و سهل بن زیاد در یک مورد<sup>۹</sup> به عنوان شاگرد وی دیده می‌شود.

### ۲-۴. موسی بن عمران / عبدالله نخعی

وی از راویان کوفی<sup>۱۰</sup> ساکن ری بود و در اسناد حدود صد روایت قرار دارد. اکثر قریب به اتفاق

۱. الحکایات فی مخالقات المعتزلیه من العدلیه، ص ۸۱-۷۷.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۱۰۶؛ التوحید، ص ۹۹.

۳. رجال النجاشی، ص ۳۴۱.

۴. رجال ابن غضائری، ص ۹۷.

۵. خلاصه الاقوال، ص ۱۵۵-۱۵۴.

۶. معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۱۰۲.

۷. التوحید، ص ۲۵۳ و ۲۴۳ و ۱۳۰.

۸. علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۱، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۸۲ و ۱۷۳.

۹. ثواب الاعمال، ص ۴۹.

۱۰. التوحید، ص ۱۶۴.



روایاتش از عمویش حسین بن یزید نوفلی از محدثان کوفه درری است.<sup>۱</sup> در چهار روایت اسم ابراهیم بن حکم (بن ظهیر)<sup>۲</sup> و در تک روایتی نام حسین بن سعید در بین مشایخ او دیده می‌شود.<sup>۳</sup> شاگرد اصلی وی نیز محمد بن جعفر اسدی بیشتر روایات او را روایت کرده است. در منابع متقدم رجالی نامی از وی به میان نیامده و در منابع متأخر به سبب روایات او در آثار صدوق و نیز نقل زیارت جامعه کبیره مورد توجه قرار گرفته است. روایت این زیارت دلیل آشکاری بر امامی و اعتقاد صحیح وی، قرار دادن زیارت مفصل با محتوای بلند در اختیار وی از سوی امام هادی علیه السلام شاهد جایگاه علمی و فضل نخعی است و این شخصیت از ممدوحین و مقبول الروایه است.<sup>۴</sup> بهره‌گیری صدوق از روایات اسدی و موسی بن عمران نخعی حاکی از اعتماد صدوق به آنان است.<sup>۵</sup> صدوق در کتاب الوصیه گوید اخبار صحیح با اسناد قوی وارد شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله به امر الهی علی بن ابی طالب را وصی خود قرار داد.<sup>۶</sup> و در بین روایات این بخش، خبری به روایت اسدی از نخعی است و بر اساس آن، امامان بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله دوازده نفر با مفاهیمی چون خلفا، اوصیای آن حضرت و حجت الهی بر امت ذکر شده که علی بن ابی طالب اولین نفر و قائم علیه السلام آخرینشان است.<sup>۷</sup> این خبر به روایت علی بن احمد دقاق از این مسیر در منابع دیگر صدوق وجود دارد.<sup>۸</sup> برخی وقوع وی در اسناد کامل الزیارات را دلیل بر وثاقت او دانسته‌اند.<sup>۹</sup>

محتوای روایات موسی بن عمران حاکی از وابستگی او به گفتمان امامی است. نفی رؤیت الهی با چشم و رد نظریه مشبهه و ملحدان در این باره،<sup>۱۰</sup> نفی زمان، مکان، حرکت، انتقال و سکون از خداوند،<sup>۱۱</sup> رد توصیف خدا به مکان،<sup>۱۲</sup> روایتی در نفی تشبیه که در مدرسه قم نیز

۱. رجال النجاشی، ص ۳۸.

۲. الامالی، ص ۳۴۸ و ۴۰۴.

۳. علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۴۷.

۴. تنقیح المقال، ج ۳، ص ۲۵۷.

۵. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۱۳.

۶. همان، ج ۴، ص ۱۷۷.

۷. همان، ج ۴، ص ۱۸۰-۱۷۹.

۸. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۵۹؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۹.

۹. موسوعه الامام الخوئی، ج ۲۶، ص ۶۱.

۱۰. التوحید، ص ۱۱۷.

۱۱. همان، ص ۱۸۴.

۱۲. علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۳۱.

روایت می‌شد<sup>۱</sup> و گزارش‌هایی در رد قدریه<sup>۲</sup> همخوان با باورهای کلامی امامیه از سوی او روایت می‌شد. خبری درباره پدران رسول خدا ﷺ که هیچ‌وقت آلوده به سفاح نبوده و همیشه از اصلاب پاکیزه به ارحام پاک انتقال یافته است،<sup>۳</sup> با اندیشه امامیه درباره موحد بودن آنان سازگاری دارد.

خبری در فضیلت اهل بیت ﷺ، پیش‌گویی حوادث مربوط به آنان و نیز شهادتشان است که با خلافت علی علیه السلام گره خورد<sup>۴</sup> و اخباری در فضیلت علی علیه السلام با عناوینی چون امام مسلمین، امیرالمؤمنین، حجت الهی بر مردم<sup>۵</sup> و ولایت پس از رسول خدا ﷺ برای علی علیه السلام<sup>۶</sup> در روایات موسی بن عمران وجود دارد. براساس روایتی، او براین باور بود که امامان علومی را که خداوند در اختیار ملائکه مقرب و انبیای مرسل قرار داده، می‌دانند.<sup>۷</sup> استمرار امامت از نسل امام حسین علیه السلام و این‌که نهمین نفر آنان قائم اهل بیت علیهم السلام است<sup>۸</sup> و تطبیق آیه ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ﴾ بر امامت - که خداوند آن را تا قیامت در فرزندان حسین علیه السلام قرار داد - از روایات این محدث امامیه است.<sup>۹</sup>

در گزارشی دیگر، امام صادق علیه السلام در برابر پرسش ابوبصیر، قائم علیه السلام را پنجمین نفر از فرزندان پسرش موسی علیه السلام دانست.<sup>۱۰</sup> در روایت نص امام صادق علیه السلام بر امامت فرزندش امام کاظم علیه السلام بود که از طریق خط فکری مفضل بن عمر روایت می‌شد و براساس آن، خلف منتظر فرزند امام حسن عسکری علیه السلام پیشگویی شد.<sup>۱۱</sup> براساس روایتی دیگر امام صادق علیه السلام فرزندش موسی بن جعفر را امام اعلام کرد که بقیه امامان دوازده‌گانه از نسل ایشان است.<sup>۱۲</sup> این اخبار ضمن رد اندیشه‌های فرقه واقفیه، با مهدویت نیز گره خورده است. نحعی در گزارشی که در نهایت به

۱. التوحید، ص ۵۹ و ۷۵.

۲. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۲۱۳.

۳. الامالی، ص ۶۲۴.

۴. الامالی، ص ۱۱۵-۱۱۴.

۵. همان، ص ۳۰۰.

۶. همان، ص ۳۴۸ و ۶۵۷.

۷. التوحید، ص ۱۳۸.

۸. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۷.

۹. معانی الاخبار، ص ۱۳۲-۱۳۱.

۱۰. همان، ج ۲، ص ۳۴۵.

۱۱. همان، ج ۲، ص ۳۳۴.

۱۲. همان، ج ۲، ص ۶۴۷.

رسول خدا ﷺ منتهی می‌شد، مرگ فرد انکارکننده قائم ﷺ در زمان غیبت آن حضرت را مرگ جاهلی دانست.<sup>۱</sup> خبر ولادت امام علی ﷺ در کعبه،<sup>۲</sup> دلیل برنگرداندن فدک از سوی امام علی ﷺ در دوره حکومت خود،<sup>۳</sup> دفن شبانه فاطمه ﷺ به خاطر وصیت آن حضرت برای عدم حضور فردی در نماز او<sup>۴</sup> و خطبه‌ای طولانی از رسول خدا ﷺ - که حاوی مسائل و مواعظ اخلاقی است - بخش دیگری از روایات موسی بن عمران است.<sup>۵</sup>

### ۳. تصحیف در سند زیارت جامعه

در برخی منابع به جای موسی بن عمران نخعی،<sup>۶</sup> راوی زیارت از امام فردی به نام موسی بن عبدالله نخعی<sup>۷</sup> است و تنها روایتی است که این راوی در منابع دارد. در آثار رجالی درباره وی مدح و ذمی وارد نشده است و چنین نامی در بین اصحاب امام هادی ﷺ دیده نمی‌شود. برخی منابع بعدی نیز بر اساس همین مشیخه سند را کامل آورده<sup>۸</sup> و محققانی بر اساس آن راوی از امام را موسی بن عبدالله دانسته‌اند.<sup>۹</sup> برخی با توجه به ذکر نام موسی بن عبدالله نخعی از سوی طوسی، این طریق را صحیح از موسی بن عمران نخعی دانسته‌اند<sup>۱۰</sup> این در حالی است که طوسی از روایت صدوق در من لایحضره الفقیه بهره برده است؛ ضمن آن‌که سند برخی منابع به روایت حسن بن محمد طوسی از پدرش شیخ طوسی به روایت شیخ مفید از صدوق عنوان «موسی بن عمران نخعی» دارد.<sup>۱۱</sup> پذیرش این سند بیان‌گرو وجود این نام و توجه بزرگان امامیه به این زیارت است.

از سوی دیگر، برخی به اتحاد این دو عنوان رأی داده‌اند که در یکی به اسم جدش نسبت داده شده است.<sup>۱۲</sup> استدلال به سند روایتی در الکافی «موسی بن عمران، عن عمه الحسین

۱. معانی الاخبار، ج ۲، ص ۴۱۲.

۲. علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۳۵.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۵۵ - ۱۵۴.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۸۵.

۵. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۲۹۵ - ۲۸۰.

۶. عیون اخبار الرضا ﷺ، ج ۲، ص ۲۷۲.

۷. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۰۹.

۸. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۹۵.

۹. با پیشوایان هدایتگر، ج ۱، ص ۵۹-۵۸.

۱۰. قاموس الرجال، ج ۱۰، ص ۲۸۵.

۱۱. المزار ابن المشهدی، ص ۵۲۳.

۱۲. مستدرکات علم رجال، ج ۸، ص ۲۱.

بن عیسی بن عبدالله است که عیسی تصحیف یزید و عبدالله جد او است.<sup>۱</sup> برخی این توجیه را پذیرفته و تصور تصحیف را براساس آن رد کرده‌اند؛<sup>۲</sup> در حالی که در ترجمه عموی موسی بن عمران، تعبیر «حسین بن یزید بن محمد بن عبدالملک» آمده که براساس آن، نام جد وی «محمد» است.<sup>۳</sup> همچنین صحیح روایت الکافی «الحسین، عن عیسی بن عبدالله» و منظور عیسی بن عبدالله بن محمد بن عمر بن علی علیه السلام می‌تواند باشد. شاهد آن، روایت نوفلی (حسین بن یزید) از عیسی بن عبدالله<sup>۴</sup> و روایت سهل بن زیاد به واسطه نوفلی از عیسی بن عبدالله بن محمد بن عمر است؛<sup>۵</sup> ضمن این‌که روایت کتاب عیسی بن عبدالله از سوی نوفلی به همراه محمد بن علی کوفی مؤید این تصحیف است.<sup>۶</sup>

### بررسی سند در این گزارش

بررسی درباره این اسناد حاوی نکاتی است و حکایت از این دارند گویا دو تصحیف در سند زیارت جامعه کبیره روی داده است. نکته اول. موسی بن عمران نخعی استاد محمد بن جعفر اسدی یا همان محمد بن ابی عبدالله کوفی وکیل ری است. عنوان موسی بن عمران نخعی در آثار صدوق نزدیک به صد مورد تکرار شده است. به غیر از این سند زیارت جامعه کبیره، در تمام موارد روایات نخعی از طریق اسدی نقل شده است و اکثر قریب به اتفاق آن را از عمویش حسین بن یزید نخعی فراگرفت. بنابراین، محمد بن جعفر اسدی در ری به روایات نخعی دست یافت و تمام این روایات از طریق همین شاگردانش و برخی دیگر در اختیار صدوق قرار گرفت.

نکته دوم. محمد بن اسماعیل برمکی نیز استاد محمد بن جعفر اسدی و با موسی بن عمران در یک طبقه است. هر چند روایت از هم طبقه ایرادی ندارد، ولی چنان که گفته شد، در تمام موارد محمد بن جعفر اسدی راوی از نخعی است، نه محمد بن اسماعیل برمکی. تنها شاهی که می‌تواند این سند را پشتیبانی کند، گزارشی در منبعی<sup>۷</sup> با پذیرش این فرض

۱. «بررسی سندی زیارت جامعه کبیره»، ص ۹۸.

۲. «تحلیل سندی و محتوایی زیارت جامعه کبیره»، ص ۱۲.

۳. رجال النجاشی، ص ۳۸.

۴. الکافی، ج ۴، ص ۶۰.

۵. همان، ج ۷، ص ۴۶۳.

۶. فهرست الطوسی، ص ۳۳۱.

۷. «... حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ الْأَسَدِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي مَرْيَمَ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ الْعِمْرَانَ [عَمْرَانَ] النَّخَعِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا شُعَيْبُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ التَّمِيمِيُّ...» (كفاية الأثر، ص ۴۳).

که محمد بن اسماعیل برمکی به اسماعیل بن محمد برمکی تصحیف شده باشد.<sup>۱</sup> نکته سوم. تردیدی نیست که ابوالحسین اسدی کنیه محمد بن ابی عبدالله کوفی است. پس حرف عطف «واو» در بین این دو اضافی و احتمالاً به نوعی در نسخه برداری‌ها افزوده شده است. بنابراین، نیازی به لفظ «قالوا» نیز نیست و کلمه قال کفایت می‌کند. نکته چهارم. در مشیخه من لایحضره الفقیه، طریق به یحیی بن عباد مکی<sup>۲</sup> و حدیث سلیمان<sup>۳</sup> محمد بن ابی عبدالله از موسی بن عمران آمده<sup>۴</sup> و خبری از محمد بن اسماعیل برمکی نیست.

نکته پنجم. با توجه به نکات فوق، به نظر می‌رسد با توجه به فراوانی روایت اسدی از محمد بن اسماعیل برمکی - که به نوعی ملکه ذهن بوده - و یا جا به جایی روایات در آثار صدوق سبب تصحیفی در سند این روایت شده و نامش در سند افزوده شده است. همچنین در تمام موارد، روایات نخعی از طریق اسدی به صورت مستقیم نقل شده است؛ چرا تنها در این مورد با واسطه استاد دیگرش نقل شود؟ آیا زیات‌نامه به این مهمی را - که حاوی معارف بلندی است - خودش از نخعی نشنیده است؟ به عنوان شاهد به این دو سند دقت شود:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ السِّنَانِيِّ، وَعَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ الدَّقَّاقِ، وَالْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ الْمُؤَدَّبِ، وَعَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالُوا: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ الْأَسَدِيُّ، عَنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ النَّخَعِيِّ.<sup>۵</sup>

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى الدَّقَّاقِ، وَالْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ الْمُكْتَبِ، وَمُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السِّنَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالُوا: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْأَسَدِيُّ الْكُوفِيُّ أَبُو الْحُسَيْنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيِّ.<sup>۶</sup>

مسیر اسدی از نخعی به واسطه شاگردان اسدی به فراوانی در آثار صدوق تکرار شده است و حتی در یک مورد هم برمکی به عنوان واسطه این دو راوی دیده نشد. چنین

۱. تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۱۸۶؛ بشاره المصطفی، ص ۱۵۰.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۳۴.

۳. همان، ج ۴، ص ۴۳۹.

۴. همان، ج ۴، ص ۴۳۴.

۵. علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۳۱.

۶. الخصال، ج ۲، ص ۵۴۳.

تصحیف‌هایی در آثار صدوق شواهد متعددی دارد؛ به عنوان مثال، در طریق روایی وی به مسائل محمد بن سنان (م ۲۲۰ق)<sup>۱</sup> به طور مکرر همین راویان از اسدی با اسنادی هستند؛ اما در جایی محمد بن یعقوب قبل از اسدی افزوده شده است:

حدثنا علی بن احمد بن محمد، قال: حدثنا محمد بن یعقوب، قال: حدثنا محمد بن ابی عبدالله، عن محمد بن اسماعیل، عن علی بن العباس قال حدثنا القاسم بن ربیع الصحاف، عن محمد بن سنان أن ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام كتب الیه فیما كتب من جواب مسائله...<sup>۲</sup>

در نگاه اول، شاید وجود محمد بن یعقوب به عنوان شاگرد اسدی مشکلی نداشته باشد، اما بررسی آثار صدوق نشان دهنده آن است که وی در طریق روایی مسائل ابن سنان نبوده است؛ ضمن این‌که علی بن احمد شاگرد کلینی و اسدی بوده و از هر دو بی‌واسطه روایت نقل می‌کند و هیچ روایتی به واسطه کلینی از اسدی رؤیت نشد. نمونه دیگر در سند این روایت است:

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رضی الله عنه قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ الْكُوفِيُّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ التَّخَمِي، عَنْ عَمِّهِ...<sup>۳</sup>

گویا در این مورد نیز تصحیف شده و درست آن محمد بن ابی عبدالله باشد که در شانزده مورد طریق روایی محمد بن موسی بن متوکل به احادیث موسی بن عمران است. اگرچه محمد بن یحیی عطار نیز استاد محمد بن موسی بوده، اما وی از محدثان بزرگ قم بود، نه کوفه یا حتی شهرری؛ یا این‌که محمد بن یحیی با نخعی ملاقات داشته و «الکوفی، عن ابیه» اضافه است؛ کما این‌که در بازنشر آن در منابع بعدی وجود ندارد؛<sup>۴</sup> چرا که در منابع نامی از یحیی عطار دیده نشد.

درباره تصحیف موسی بن عمران به موسی بن عبدالله نیز چنین تصحیف‌هایی در آثار صدوق وجود دارد؛ به عنوان مثال، حسین بن یزید در مواردی «حسن بن یزید»، «حسین بن زید» و «الحسن بن زید» آمده است که بعضاً با عنوان «و بهذا الاسناد، عن الحسين بن

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲۹؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۸۸.

۲. علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۱۷.

۳. صفات الشیعه، ص ۲.

۴. بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۶۷؛ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۵۷.

۵. به ترتیب: ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۱۵ و ۲۱۴ و ۲۰۷.

یزید» شاهی برای تصحیف است. تصحیف محمد بن جعفر به موسی بن جعفر؛<sup>۱</sup> تصحیف موسی بن عمران به «محمد بن موسی بن عمران» نیز قابل ردیابی است.<sup>۲</sup> چنین مواردی در منابع دیگر نیز وجود دارد مثلاً طوسی خبری را از این راوی<sup>۳</sup> با عنوان موسی بن عمران نخعی و در اثری دیگر با عنوان موسی بن عمرو نخعی آورده است.<sup>۴</sup>

### بررسی یک مشکل

آنچه در این جا به عنوان مشکل باقی می ماند، همان سند من لایحضره الفقیه است. گویا صدوق این اخبار را در دفاتر خود داشته و هنگام نگارش آثار آن ها را در باب مخصوص خود قرار می داده است؛ برای مثال، در علل الشرائع ضمن نقل حدیثی، گفته آن را در عیون اخبار الرضا<sup>۵</sup> نقل کرده<sup>۶</sup> و این تداعی نگارش آن قبل از علل الشرائع است و از سوی دیگر، بعد از نقل مطالبی در کتاب عیون اخبار الرضا<sup>۷</sup> اشاره کرده که آن را در کتاب علل الشرائع آورده است.<sup>۸</sup> گویا به این رفت و آمدها در نگارش آثار صدوق - که بعضی هم زمان بوده و یا در ادامه مواردی به آن افزوده می شده - اشاره شده است. با توجه به چنین شواهدی به نظر می رسد من لایحضره الفقیه را بعد از علل الشرائع<sup>۹</sup> و عیون اخبار الرضا<sup>۱۰</sup> نوشته است. در این صورت، احتمال دارد این تصحیف به نوعی با غفلت و شاید هم از طریق نساخ به آن راه یافته و موسی بن عمران نیز به موسی بن عبدالله تغییر کرده است.

با پذیرش این نکته، موسی بن عمران نخعی استاد ابوالحسین اسدی بوده است و نام برمکی تصحیف شده است. نقل فراوان اسدی به عنوان وکیل ناحیه ری با آن جلالتی که مطرح شده می تواند با برخی دلایل رجالی و حدیثی مدح موسی بن عمران نخعی را تقویت کند. بنابراین، نام وی تنها در سند زیارت نیامده و راوی روایات فراوانی است و به نوعی از مجهول بودن وی کاسته می شود. همچنین با پذیرش موسی بن عمران می توان گفت در جایگاهی از علم بوده و ظرفیت پذیرش آن را داشته که امام هادی<sup>۱۱</sup> چنین محتوای بالای

۱. همان، ص ۲۱۳.

۲. همان، ص ۴۹.

۳. اصل خبر: من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۱۳.

۴. تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۱۷۸؛ الاستبصار، ج ۳، ص ۷۰.

۵. علل الشرائع ج ۱، ص ۲۷.

۶. عیون اخبار الرضا<sup>۵</sup>، ج ۲، ص ۸۶.

۷. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۱۵.

معارفی را در اختیار او قرار دهد.

مشکل دیگر در کتاب من لایحضره الفقیه این است که نام محمد بن اسماعیل برمکی هم در متن و هم در مشیخه ذکر شده است و احتمال دو اشتباه در این جا دور از ذهن است. پاسخ، این که روایات برمکی و طریق به وی در مشیخه مورد بحث نیست؛ چرا که در منابع صدوق در اکثر موارد مسیر به روایات او همین طریق است. آن چه مورد گفتگو است، تنها در همین گزارش از زیارت جامعه کبیره است که اشتباه رخ داده است و زمانی که صدوق مشیخه را تنظیم می کرده، با دیدن نام برمکی طریق خود را آورده است. عدم ذکر موسی بن عمران در مشیخه برای این است که نام اسدی به عنوان راوی در سه روایت وی آمده است.<sup>۱</sup> و تنها طریق روایی اسدی ذکر شده است؛ در حالی که در طریق به یحیی بن عباد، نام نخعی به روایت از عمویش - که شاگرد یحیی بود - ذکر شده است.<sup>۲</sup>

### نتیجه گیری

مشایخ روایی شیخ صدوق در سند زیارت جامعه کبیره از راویان مدرسه امامیه ری هستند. مرور روایات آنان فرضیه امامی اثناعشری بودن، جایگاه بالای علمی آنان، اعتماد صدوق و ممدوح بودن آنان را تقویت می کند. نقل های زیاد از امامان شیعه وابستگی آنان به گفتمان امامی را تأیید کرده و محتوای اخبار آنان با باورهای امامی سازگاری می نماید. نام آنان در سلسله اسناد احادیث با موضوعات کلامی، تاریخ معصومان، حضرت حجت علیه السلام، امام شناسی، مشخصات امامان و خلقت نوری به چشم می خورد. جایگاه بالای علمی آنان بیان گر ظرفیت آنان برای پذیرش و انتشار زیارت جامعه کبیره، رساله حقوق و مواردی از این دست به آثار صدوق است. فراگیری علمی آنان از محدثانی نظیر سعد بن عبدالله اشعری، علی بن ابراهیم، محمد بن جعفر اسدی، محمد بن یعقوب کلینی و دیگران در جایگاه علمی آنان بی تأثیر نبود. شواهد نیز افزوده شدن محمد بن اسماعیل برمکی در سند و تصحیف موسی بن عمران به موسی بن عبدالله دارد.

### کتابنامه

الاستبصار، محمد بن حسن طوسی، محقق: حسن الموسوی خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق.

۱. همان، ج ۳، ص ۳۱۳ و ج ۴، ص ۱۷۹ و ۳۵۱.

۲. همان، ج ۴، ص ۴۳۴.



- الامالی، محمد بن علی بن بابویه، بیروت: اعلمی، چاپ پنجم، ۱۴۰۰ق.
- آداب الصلاة، روح الله خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ش.
- با پیشوایان هدایت‌گر، سید علی حسینی میلانی، قم: الحقائق، ۱۳۹۳ش.
- بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- بشارة المصطفى لشيعة المرتضى، محمد بن ابی القاسم طبري، نجف: المكتبة الحيدريه، ۱۳۸۳ق.
- تاريخ الأمم و الملوك، محمد بن جرير طبري، تحقيق: محمد أبو الفضل ابراهيم، بيروت: دار التراث، ۱۳۸۷ق.
- تاريخ خليفه، خليفة بن خياط، تحقق: فواز، بيروت: دارالكتب العلميه، ۱۴۱۵ق.
- تفسير القمي، علي بن ابراهيم، تحقيق: طيب موسوي جزائري، قم: دارالكتاب، ۱۴۰۴ق.
- تنقيح المقال في علم الرجال، عبدالله مامقاني، بي‌نا، بي‌جا، بي‌تا.
- التوحيد، محمد بن علي بن بابويه، محقق: هاشم حسيني، قم: جامعه مدرسين، ۱۳۹۸ق.
- تهذيب الاحكام، محمد بن حسن طوسي، محقق: حسن الموسوي خرسان، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ۱۴۰۷ق.
- الثقات الاخير من رواة الاخبار، حسين مظاهري، قم: مؤسسه الزهراء، الثقافيه الدراسيه، ۱۴۲۸ق.
- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، محمد بن علي بن بابويه، قم: دارالشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ق.
- جامع الرواه، محمد بن علي اردبيلي، بيروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ق.
- الحكايات في مخالقات المعتزلية من العدلية، محمد بن محمد شيخ مفيد، قم: كنگره شيخ مفيد، ۱۴۱۳ق.
- الخصال، محمد بن علي بن بابويه، محقق: علي اكبر غفاري، قم: جامعه مدرسين، ۱۳۶۲ش.
- خلاصة الاقوال، حسين بن يوسف حلي، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۱ق.
- رجال الطوسي، محمد بن حسن طوسي، محقق: جواد قيومي، قم: مؤسسه النشر الاسلامي لجامعه المدرسين، ۱۳۷۳ش.

- رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ق.
- الرجال، احمد ابن غضایری، محقق: محمدرضا حسینی جلالی، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۴۲۲ق.
- الرجال، حسن بن علی حلی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.
- الرجال، محمد بن حسن حرعاملی، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۷ق.
- رسائل الشریف المرتضی، سیدمرتضی علم الهدی، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۴۰۵ق.
- الرواشح السماویه، محمداقرا میرداماد، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۲ق.
- روضه المتقین، محمدتقی مجلسی، تهران: کوشان پور، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
- السیره النبویه، عبدالملک بن هشام، تحقیق: مصطفی سقا و ابراهیم ابیاری و عبدالحفیظ شبلی، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
- صفات الشیعه، محمد بن علی بن بابویه، تهران: اعلمی، ۱۳۶۲ش.
- علل الشرایع، محمد بن علی بن بابویه، قم: داوری، ۱۳۸۵ش.
- عیون اخبار الرضا علیه السلام، محمد بن علی بن بابویه، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
- الغیبه، محمد بن ابراهیم نعمانی، محقق: علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ق.
- الغیبه، محمد بن حسن طوسی، محقق: عبدالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم: دارالمعارف السلامیه، ۱۴۱۱ق.
- الفوائد الرجالیه، محمد مهدی بحر العلوم، تهران: مکتبه الصادق علیه السلام، ۱۳۶۳ش.
- فهرست کتب الشیعه و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول، محمد بن حسن طوسی، قم: ستاره، ۱۴۲۰ق.
- قاموس الرجال، محمدتقی شوشتری، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۰ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- کامل الزیارات، جعفر ابن قولویه، محقق: عبدالحسین امینی، نجف: دارالمرتضویه.
- کتاب النکاح، سیدموسی شبیری، قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز، ۱۴۱۹ق.
- کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنا عشر، علی بن محمد خزاز، مصحح: عبداللطیف حسینی، قم: بیدار، ۱۴۰۱ق.
- کمال الدین و تمام النعمه، محمد بن علی بن بابویه، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران:

اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.

لسان المیزان، احمد بن علی عسقلانی، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۰ق.

مجمع الرجال، عنایت الله قهپائی، قم: اسماعیلیان، ۱۳۶۴ش.

المزار الكبير، محمد بن جعفر ابن المشهدی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ق.

مستدرکات علم رجال الحديث، علی نمازی، تهران: فرزند مؤلف، ۱۴۱۴ق.

معانی الأخبار، أبی جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (شیخ الصدوق)

(م ۳۸۱ق)، تحقیق: علی اکبر غفّاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، الطبعة الأولى،

۱۳۶۱ش.

معجم رجال الحديث، سید ابوالقاسم خویی، قم: مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ق.

من لایحضره الفقیه، محمد بن علی ابن بابویه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه

مدرسین، ۱۴۱۳ق.

موسوعة الإمام الخوئی، سید ابوالقاسم خویی، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، قم: ۱۴۱۸ق.

موسوعة طبقات الفقهاء، جعفر سبحانی، قم: مؤسسه الامام الصادق عليه السلام، ۱۴۱۸ق.

وسائل الشیعه، محمد بن حسن حر عاملی، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث،

۱۴۱۶ق.

الهدایة الكبرى، حسین بن حمدان خصیبی، بیروت: البلاغ، ۱۴۱۹ق.

«بررسی سندی زیارت جامعه کبیره»، شیخ محمد سند و مهناز فرحمند، سفینه، ۱۳۸۶، ش ۱۵.

«تحلیل سندی و محتوایی زیارت جامعه کبیره»، عباس علی محمدی و محمد سپهری،

فصلنامه تاریخ، ۱۳۹۹، ش ۵۷.

«گونه شناسی روایات مدرسه امامیه ری در آثار شیخ صدوق، مطالعه موردی علی بن احمد

بن محمد دقاق»، فرهاد نعمتی، نشریه علم و تمدن در اسلام، ۱۴۰۲ش، شماره ۱۵.

«واکاوی نظریه وقوع در مشیخه من لایحضره الفقیه و دلالت آن بر وثاقت مؤلف، با تأکید بر

کتاب النوادر ابراهیم بن هاشم»، سیدعلیرضا حسینی شیرازی، دانش ها و آموزه های قرآن

و حدیث، ۱۳۹۹ش، شماره ۹.

<https://www.ostadmadadi.ir/persian/article/13492>

<https://www.ostadmadadi.ir/persian/book/11460/8654/>